

اهل بیت علیہم السلام
و علم کلام
(۱)

علم کلام همواره مورد اهتمام اهل بیت بوده علاوه بر طرح مباحث کلامی از سوی ایشان، شاگردان زبردست و ماهرری را نیز در رشته کلام تربیت نمودند، و این در حالی است که رؤسای چهارگانه مذاهب اهل سنت علم کلام را نکوهش کرده و آن را بدعت می‌دانستند، و عموم اهل حدیث به شدت در برابر آن ایستادند.

در این مقاله پس از نگاه گذرا به ریشه علم کلام در قرآن مجید، تلاش‌های کلامی اهل بیت علیهم السلام را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا امام صادق علیه السلام مطرح می‌کنیم و کوشش‌های کلامی بقیه ائمه را به شماره آینده موکول می‌کنیم.

ریشه قرآنی مسائل کلامی

در آیات متعدد قرآن، از توحید و زیر مجموعه آن، نبوت، امامت، معاد و... همراه با برهان عقلی سخن به میان آمده است.^(۱) با مطالعه قرآن درمی‌یابیم که قرآن

مسائل و موضوعات کلامی ریشه در قرآن دارد اگر چه قرآن به تفصیل (و به صورت دسته‌بندی) به آن نپرداخته است.

۱. ابوالحسن اشعری، رساله استحسان الخوض فی علم الکلام، ص ۳۹، ۵۰.

لَفَسَدَتَا ﴿انبیاء/ ۲۲﴾: «اگر در آسمان و زمین جز الله خدایان دیگری بود فاسد می شدند» این آیه در واقع یکی از ادله مهم عقلی بر توحید خداوند می باشد.

﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ﴾ (انبیاء/ ۲۴): «آیا آن‌ها معبودانی جز خدا برگزیدند؟ بگو دلیل تان را بیاورید».

در قرآن از این گونه آیات فراوان است. در داستان حضرت ابراهیم با ستاره پرستان، درباره حرکت، سکون، و اثبات خدا اشاره شده است. (۲)

اگر تاریخ و پیشینه علم کلام و عوامل به وجود آمدن آن را در اسلام بررسی نماییم به این نتیجه می‌رسیم که یکی از اسباب داخلی پیدایش کلام اسلامی و بحث‌های عقلی، قرآن می‌باشد. (۳)

بنابر آنچه گفته آمد در جواز و مشروعیت مباحث کلامی و احتجاج و

نه تنها با بحث‌های عقلی و کلامی مخالف نبوده بلکه به مناسبت‌های گوناگون، مردم به ویژه مؤمنان را به تفکر و تعقل فراخوانده و سخن بدون دلیل و تقلیدی را مردود شمرده و تأکید کرده است که ﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ و حتی جهت تبیین و دفاع از آموزه‌های دینی و حیانی دستور صریح و غیر قابل تأویل به جدال (به شرط نیکو بودن) و مناظره داده است. ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل/ ۱۲۵): «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و به آن‌ها به روشی که نیکو است استدلال و مناظره کن». و خود نیز پیش از دیگران در بیان معارف دینی و توحیدی از دلایل و براهین عقلی^(۱) استفاده و در مقابل از کفار و مشرکین مطالبه برهان نموده است: ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمْ آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ

۱. قرآن به خاطر اهمیتی که به عقل و تعقل و تفکر داده، واژه‌های عقل، فکر، لب، تدبیر، نُهی، را به صورت‌های مختلف به ترتیب ۴۷، ۱۸، ۱۶، ۴۰ و ۲ به کار برده است.

۲. انعام، ۷۷-۷۸.

۳. علامه حلی، نه‌ایة المرام فی علم الکلام، ج ۱، ص ۱۴.

سخنرانی‌ها و دعاهای خود در موضوعات و مسایل گوناگون کلامی مانند اثبات و توحید خداوند، صفات و افعال الهی، نبوت، امامت، معاد و ... به تفصیل سخن گفته‌اند.

۲. شخصاً با ملحدین، مخالفین و سران و پیروان فرق و مذاهب موجود آن روز مناظره و گفتگو کرده‌اند.

۳. دستور به تفکر و تعقل داده و برای عقل جایگاه ویژه قایل شده و از آن به عنوان «حجت باطنی» خداوند بر انسان یاد کرده‌اند^(۳) و مردم را از تقلید و پذیرش مطالب غیر علمی و برهانی برحذر داشته‌اند.

۴. عده‌ای از شاگردان خویش را در رشته کلام آموزش داده‌اند.

۵. از میان شاگردان و یاران خود برای کسانی که در کلام و فن مناظره تخصص داشته‌اند نسبت به متخصصین سایر رشته‌ها

مناظره در مسایل کلامی و اعتقادی از دیدگاه قرآن تردیدی نیست.

اهل بیت علیهم‌السلام و علم کلام

با نگاهی به موضوع، اهداف، غایت علم کلام، وظیفه متکلم، رسالت اهل بیت علیهم‌السلام و همراه بودن اهل بیت علیهم‌السلام با قرآن نظر مثبت اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به دانش کلام به خوبی به دست می‌آید و این، مسئله‌ای طبیعی است زیرا اهل بیت همواره با قرآن بوده و تاقیامت از یکدیگر جدا نمی‌شوند (لن یفترقا حتی یردا علی الحوض)^(۱) و نیز اهل بیت مفسر واقعی قرآن هستند.^(۲)

با مطالعه تاریخ زندگی و سیره و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به منظور کشف نظر ایشان درباره کلام به مطالب و نکات زیر می‌رسیم:

۱. اهل بیت علیهم‌السلام در ضمن

۱. محمد بن الحسن الصفار، بصائر الدرجات، باب ۱۷، حدیث ۳، ص ۴۱۳.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجّة، ص ۳۳۲.

۳. یا هشام ان الله علی الناس حجّتين: حجّة ظاهرة وحجّة باطنية، فاما الظاهرة فالرسل والانبياء والائمة علیهم‌السلام واما الباطنة فالعقول. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹، حدیث شماره ۱۲، کتاب العقل والجهل.

کردن پیامبر صلی الله علیه و آله در محضرش گرد آمدند .

نخست یکی از یهودی‌های عرض کرد: ای محمد ما برای مناظره آمده ایم، یهودی‌ها عقیده دارند «عزیر» پسر خدا است، نظر شما در این باره چیست؟ اگر با ما هم عقیده باشید ما پیش از شما به حق نزدیک بوده‌ایم. اگر با ما هم عقیده نیستی با تو مناظره می‌کنیم.

بعد از پایان سخنان یهودی یکی از نصرانی‌ها خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: نصارا اعتقاد به اتحاد حضرت مسیح (که ابن الله است) با خدا دارد، ما می‌خواهیم نظر شما را در این زمینه بدانیم. اگر مانند ما می‌اندیشی ما از شما با سابقه‌تر و بهتر در پیروی از عقیده صحیح می‌باشیم، و اگر غیر از این می‌اندیشی، جهت اثبات حقانیت عقیده خود با تو مناظره می‌کنیم.

بعد از اتمام حرف‌های نصرانی یکی از ثنوی‌ها به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت ما قایل به دو خدای نور و ظلمت در عالم هستیم می‌خواهیم در این مورد با شما مناظره داشته

احترام خاصی قایل بوده‌اند .

از برخی مطالب و نکات یاد شده به صورت مطابقی و از برخی دیگر به صورت التزامی نظر مثبت اهل بیت علیهم السلام درباره کلام استفاده می‌شود .

اکنون با توجه به اقتضا و مجال این نوشتار، به ذکر نمونه‌هایی از سخنان و سیره اهل بیت علیهم السلام می‌پردازیم (زیرا ذکر همه خطاب‌ها و روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام که مشتمل بر مسایل و موضوعات کلامی و عقلی می‌باشد حوصله و مجال دیگری می‌طلبد .)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و علم کلام^(۱)

۱ . امام صادق علیه السلام از پدران خود نقل می‌کند: روزی عده‌ای یهودی، نصرانی، دهری (منکر خدا و بهشت و جهنم که می‌گویند ﴿مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾ (جائیه/ ۲۴)، ثنوی (قائل به دو خدا) و مشرکین عرب (بت پرستان) . . . از هر فرقه پنج نفر - به قصد مناظره و مغلوب

۱ . طبق آیه تطهیر پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیت علیهم السلام است .

باشیم .

که غیر از او به کسی چنین عنایتی نفرموده
است؟

اگر منظورتان امر سوم باشد حدوث
عیسی و حدوث معنایی را که به جهت آن
با خدا اتحاد پیدا کرده است ، پذیرفته‌اید و
این بر خلاف عقیده شما است .

یکی از نصرانی‌ها عرض کرد : چون
خداوند معجزه‌هایی به دست با کفایت
حضرت مسیح ظاهر نمود او را به صفت
فرزند انتخاب نمود! پیامبر ﷺ فرمود : این
ملاک در حضرت موسی و انبیای پیش از او
نیز وجود داشت چرا آنان را به پسری
انتخاب نکرد؟

بجز يك نفر، همه نصرانی‌ها در مقابل
سؤالات و استدلال پیامبر ﷺ سکوت کردند
بعد از لحظاتی ، و رد و بدل شدن چند
سؤال و جواب آن يك نفر هم ساکت شد .
بعد از چند لحظه سکوت همگی خطاب به
پیامبر ﷺ عرض کردند : ما تاکنون چنین
استدلال و مناظره‌ای را نه شنیده و نه دیده
بودیم ، ما ، در عقایدمان از نو تأمل
می‌کنیم .

بعد از پایان مناظره ، پیروان هر پنج

یکی از ده‌ری‌ها نیز عقیده خود را بیان
کرد و خواهان بحث و گفتگو با پیامبر شد
در پایان ، مشرکین عرب گفتند : ما بت‌های
خود را خدا می‌دانیم ، آمده‌ایم تا با شما در
این باره گفتگو و مناظره نماییم . پیامبر ﷺ
بعد از شنیدن کامل سخنان آنان و ذکر
عبارت زیر «آمنت بالله وحده لا شریک له
و کفرت بالجبث والطاغوت و کلّ معبود
سواه» به ترتیب و تفصیل به همه سؤالات
پاسخ داد . جهت اختصار ، به نقل خلاصه
پاسخ سؤال نصرانی و مناظره پیامبر ﷺ با او
به سنده می‌شود :

پیامبر ﷺ رو به گروه نصارا کرد و
فرمود : منظور شما از این که می‌گویید
خدای قدیم با فرزندش مسیح متحد شده و
اتحاد پیدا کرده است چیست؟ آیا مرادتان
این است که خدای پدر و قدیم به خاطر
عیسی ﷺ حادث و محدث شده است؟ یا
نه عیسای حادث به خاطر خدای قدیم
قدیم شده است؟ یا نه ، مقصود شما چیزی
سومی است و آن این که خداوند حضرت
عیسی را به کرامت ویژه تکریم نموده است

فنون و روش آن آشنا بوده با عقاید خصم به مسلمات او آشنایی داشته باشد.

۵. در هنگام مناظره باید به عقیده

خصم و طرف گفتگو احترام گذاشت.

۶. جدال احسن و گفتگو به شیوه

معقول، کارساز و نتیجه بخش است و چه

بسا وجدان‌های خواب رفته را بیدار و

فطرت‌های غبار گرفته را غبارروبی و شکوفا

سازد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جای دیگر

خداشناسی (یکی از موضوعات علم کلام)

را سرآغاز و در رأس همه علوم معرفی کرده

است. (۲)

گروه به عجز خویش اعتراف کردند و به

تمجید از پیامبر صلی الله علیه و آله پرداختند و به آن

حضرت قول دادند که بعد از تأملی در

عقایدشان تجدید نظر نمایند، بعد از يك

مهلت سه روزه دوباره خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله

رسیدند و هر پنج گروه به صورت

دسته جمعی و يك صدا از ته دل خطاب به

پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند: «یا محمد نشهد

أنك رسول الله» و بدین ترتیب، همه به دین

مبین اسلام تشریف پیدا کردند! (۱)

نکاتی که از این مناظره استفاده

می‌شود:

۱. اصل مناظره و مجادله به روش

احسن جایز بلکه لازم است.

۲. باید از مناظره و گفتگو با شرایط

استقبال کرد مناظره در مسایل اعتقادی

حتی خدا و صفات او منعی ندارد.

۳. در مسایل خداشناسی و اعتقادی

تقلید جایز نیست.

۴. کسی مجاز به مناظره است که با

امام علی علیه السلام و علم کلام

پیش از بیان دیدگاه امام علی علیه السلام

درباره دانش کلام و سخنان کلامی حضرت

توجه خوانندگان را به مطالعه عبارت ابن ابی

الحدید در شرح نهج البلاغه جلب

می‌نمایم «أشرف العلوم هو علم الالهی لان

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۷-۴۴.

۲. صدوق، توحید، باب «أدنی ما یجزی من معرفة التوحید»، حدیث ۵، ص ۲۸۴-۲۸۵.

مرتضی علیه السلام (۴۳۶) چنین نظری را اظهار داشته است وی در این زمینه می نویسد: «اعلم ان اصول التوحيد والعدل مأخوذة من كلام أمير المؤمنين عليه السلام وخطبه، من تأمل المأثورة في ذلك من كلامه عليه السلام علم ان جميع ما أشهب المتكلمون من بعد في تصنيفه وجمعه انما تفصيل لتلك الجمل وشرح لتلك الأصول وروى عن الأئمة من أبنائه من ذلك ما لا يكاد يحاط به كثرة» (۲)

بدان اصول توحيد و عدل از سخنان و خطبه های امیرالمؤمنین علیه السلام گرفته شده است. اگر کسی در این زمینه به سخنان حضرت دقت نماید می داند آنچه همه متکلمین تاکنون در نوشته ها و تألیفات خود آورده اند تفصیل و شرح آن مجمل و اصول می باشد. از فرزندان آن حضرت نیز درباره مسایل کلامی آن قدر نقل شده است که از لحاظ کثرت تقریباً نمی شود به آن احاطه پیدا کرد.

آری مباحث توحید، عدل، نبوت،

شرف العلم بشرف المعلوم ومعلومه أشرف الموجودات فكان هو أشرف العلوم ومن كلامه اقتبس وعنه نقل وإليه انتهى ومنه ابتداء» (۱)

شریف ترین علم از میان علوم، علم کلام و عقاید است زیرا شرف يك علم به شرف و موضوع آن علم وابسته است. موضوع علم کلام هم بهترین موجودات (خدا) است پس علم کلام اشرف علوم است و چنین علمی از سخنان و کلمات امام علی علیه السلام نقل و اقتباس شده است و آغاز و انجامش نیز همو است.

به نظر می رسد جناب ابن ابی الحدید در این ادعا همانند اکثر موارد دیگر مربوط به امام علی علیه السلام منصفانه و نیکو سخن گفته و ادعای گزاف نکرده است زیرا اگر اهل نظری تنها «نهج البلاغه» را مطالعه نماید بی درنگ این گفته این شارح نهج البلاغه را تصدیق خواهد نمود.

البته پیش از ابن ابی الحدید سید

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۷.

۲. امالی سید مرتضی، ج ۱، ص ۱۴۸.

مسلماً اول کسی که در مسایل عقلی اسلامی به تجزیه و تحلیل پرداخت و مسایلی مانند قدم و حدوث و متناهی و غیر متناهی و جبر و اختیار و بساطت و ترکیب و امثال آنها را مطرح کرد امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است و به همین دلیل شیعه در علوم عقلی بر غیر شیعه تقدم داشته است. (۳)

بحث درباره مسایل کلامی و پاسخ به شبهات اعتقادی و دفاع از دین و معارف آن به اندازه برای حضرت مهم بوده است که در میدان جنگ و در موقع رویارویی با دشمن نیز از تبیین مسایل اعتقادی و پاسخ به پرسش های کلامی دریغ نورزید و حتی انگیزه جنگ خود با دشمن را اختلاف در مسایل اعتقادی معرفی نمود. (۴)

نقل و توضیح مباحث کلامی امیرالمؤمنین در نهج البلاغه و جاهای دیگر از حوصله این نوشتار خارج است. تنها به

امامت و معاد با زیر مجموعه های خود (که از موضوعات و مسایل کلیدی کلام می باشند) در خطبه ها، نامه ها، کلمات قصار و نصایح آن حضرت به اجمال یا تفصیل آمده است، برخی از محققین معاصر معجم موضوعی مباحث اعتقادی و کلامی نهج البلاغه تهیه و تألیف نموده است. بر اساس این تحقیق تنها مباحث مربوط به توحید با زیرمجموعه های خود در بیش از ۲۵ خطبه مورد بحث قرار گرفته است. (۱)

سایر مباحث کلامی نیز بارها و به دفعات مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. شهید مطهری در این زمینه می نویسد: «مسایل مربوط به الهیات و ماوراء الطبیعه در مجموع خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار در حدود چهل نوبت درباره این مطالب بحث شده است». (۲) همو در جای دیگر می نویسد: قطعاً و

۱. مجله تخصصی کلام اسلامی، شماره مسلسل ۳۶، ص ۱۵۰.

۲. سیری در نهج البلاغه، ص ۳۵.

۳. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۱۷.

۴. صدوق، همان، باب ۳، حدیث ۳، ص ۸۳.

نقل بخشی از یکی از خطبه‌های توحیدی حضرت بر نهج البلاغه اکتفا می‌شود:

«سر آغاز دین، خداشناسی است و کمال شناخت خدا، باور داشتن او، و کمال باور داشتن خدا شهادت به یگانگی اوست و کمال توحید اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات (مخلوقات) جدا کردن است زیرا نشان می‌دهد که صفت غیر از موصوف است و هر موصوفی گواهی می‌دهد که غیر از صفت است. پس کسی که خدا را با صفت مخلوقات تعریف کند او را به چیزی نزدیک کرده است و با نزدیک کردن خدا به چیزی دو خدا مطرح شده و با طرح شدن دو خدا اجزایی برای او تصور نموده و با تصور اجزا برای خدا او را نشناخته است و کسی که خدا را نشناسد به سوی او اشاره می‌کند و هر کس به سوی خدا اشاره کند، او را محدود کرده و به شمارش آورده است.»^(۱)

آنچه از این بخش از سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام استفاده می‌شود چنین است:

الف. ورود در بحث‌های کلامی نه تنها جایز است بلکه لازم هم هست.

ب. علم خداشناسی و کلام سرآغاز دین‌داری است.

ج. تقلید در اصول دین و عقاید جایز نیست.

د. خداوند در عین اینکه دارای صفات متناسب با خود می‌باشد از صفات زاید و محدود منزّه است.

ه. به بهانه‌های مختلف نمی‌شود از زیر بار پاسخ گفتن مسایل کلامی و دینی‌شانه خالی کرد.

امام حسن مجتبی علیه السلام و علم کلام

امام حسن مجتبی علیه السلام در شرایط سیاسی، امنیتی و فرهنگی بسیار دشوار زندگی می‌کرد اما به رغم چنین فضایی به ویژه به رغم جوّ منع نقل و کتابت حدیث، با مخالفین از جمله معاویه مناظرات داشته و در فرصت‌هایی که برای حضرت پیش

اگر خدا انسان‌ها را بر اطاعت از خود مجبور نماید دیگر مستحق ثواب نخواهد بود و نیز اگر آنها را بر انجام گناه مجبور کند عقاب را از آنها برمی‌دارد.

استدلال امام علیه السلام، بر اختیار و آزادی انسان بر یکی از قواعد مهم کلامی یعنی «قاعده حسن و قبح عقلی» مبتنی است که همواره بر سر اثبات و نفی آن عدلیه و اشاعره با یکدیگر نزاع داشته‌اند.

امام حسین علیه السلام و علم کلام

با توجه به شرایط خاصی که برای امام حسین علیه السلام به وجود آوردند و فرصت طرح مباحث علمی، اعتقادی و فرهنگی را از امام علیه السلام گرفتند، از امام حسین علیه السلام در موضوعات مختلف تنها ۴۴۰ حدیث در مجامع روایی و تاریخی نقل شده است. (۳) یکی از این احادیث که در قالب سخنرانی ایراد شده است درباره خداشناسی و مسایل توحیدی و کلامی

می‌آمد درباره مسایل مختلف کلامی سخن می‌گفت و از پاسخ گفتن سؤالات علمی از جمله کلامی استقبال می‌کرد. پاسخ مستدل و منطقی و مفصل حضرت به سؤالات کلامی فتح بن یزید معروف است. (۱) در میان سؤالات فتح، سؤال درباره اراده، وحدت، لطف، نفی جسمیت از خدا و سمع و بصر خداوند به چشم می‌خورد.

به عنوان نمونه یکی از مسایل کلامی که حضرت درباره آن بیشتر بحث کرده و در صدد اثبات و تبیین آن برآمده است مسأله قضا و قدر می‌باشد.

امام علیه السلام، در جایی اهمیت اعتقاد به قضا و قدر را مورد تأکید قرار داده است و درباره اینکه اعتقاد به قضا و قدر با اختیار و آزادی انسان منافات ندارد می‌فرماید: «فلو اجبر الله الخلق علی الطاعة لسقط عنهم الثواب ولو اجبرهم علی المعاصی لأسقط عنهم العقاب». (۲)

۱. صدوق، همان، «باب التوحید و نفی التشبیه»، حدیث ۵.

۲. حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، ص ۲۳۲؛ و کنز الفوائد کراچی، ص ۱۱۷.

۳. دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام.

می‌باشد.

توصیف عظمت و حقیقت و ماهیت او را ندارند، اندازه و میزان جبروت او در دل‌ها نمی‌گنجد، زیرا در جهان هستی همانندی برای او وجود ندارد... خدا با هیچ يك از ویژگی‌های مخلوقات وصف نمی‌شود و یکتا و بی‌نیاز است. آنچه در ذهن و اندیشه تصور می‌شود خدا خلاف آن است زیرا چیزی که در ظرف اندیشه و ذهن قرار می‌گیرد و در فضا می‌گنجد نمی‌تواند معبود باشد... (۱)

از خطبه توحیدی سالار شهیدان نکات زیر بدست می‌آید:

۱. ورود در مباحث کلامی معنی ندارد.
۲. خدا مثل و مانند ندارد.
۳. باید از کسانی که برای خدا مثل و مانند قایل اند دوری کرد.
۴. خداوند قابل رؤیت نیست (مسأله رؤیت، از مسایل مورد اختلاف متکلمین شیعه و اشاعره از اهل سنت است).
۵. اراده، قدرت و علم خداوند بی‌نهایت است.

امام حسین علیه السلام در این سخنرانی خطاب به مردم فرمود: ای مردم از این اهریمنان گمراه دوری کنید که اینان خدا را همانند خود می‌پندارند و درست مانند کافران درباره او سخن می‌گویند، او خدایی است که چیزی مثلش نیست، او شنوا و بینا است، چشم‌ها از دیدن او ناتوان است ولی او هر بیننده را می‌بیند، او دقیق و آگاه است، یگانگی و بی‌همتایی و جبروت و عظمت ویژه اوست.

او اراده، خواست، قدرت و علمش را در سراسر جهان به اجرا نهاده است، هیچ ستیزه‌گری در هیچ امری با او توان ستیز ندارد. نه نظیری دارد که با او همانندی کند و نه مخالفی می‌تواند با او به نزاع و ستیز پردازد، برای او نیست همنامی که مشابه‌اش باشد و مانند‌ی ندارد که هم شکلش گردد، ذات او جولان‌گاه امور قرار نمی‌گیرد و تحولات و دگرگونی‌ها تأثیری بر ذاتش نمی‌گذارد، محل هیچ حادثه نمی‌باشد، توصیف گران چیره دست توان

۱. حسن بن علی بن شعبة، همان، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ مجلسی، بحار، ج ۴، ص ۳۰۱، حدیث ۲۹.

چیزی استدلال شود که خود در هستی نیاز به تو دارد! آیا چیزی غیر از تو آن قدرت را ظهور و نمود دارد که تو نداری؟ تا او دلیل و نشانگر وجود تو باشد؟ کی نبوده‌ای تا نیاز به دلیل داشته باشی تا بر وجود تو دلالت نماید؟

فراز اول اشاره به برهان تمناع (یکی از براهین عقلی توحید) دارد. فراز دوم اشاره به معرفت شهودی و برهان صدیقین می‌باشد.

امام سجاده علیه السلام و علم کلام

امام سجاده علیه السلام در ضمن ادعیه و احادیث خود به مباحث خداشناسی و کلامی اشاراتی دارد از جمله درباره توحید فرمود: چون خداوند با علم پیشین خود می‌دانست در آخرالزمان انسان‌های متفکر و ژرف نگر می‌آیند، لذا سوره توحید و پنج آیه اول سوره حدید را نازل فرمود. (۲)

امام چهارم علیه السلام در دعای ابوحمزه ثمالی با خدا چنین عرض می‌کند: «ولولا

۶. ذات خداوند محل حوادث نیست.

۷. کنه ذات خداوند قابل دسترسی نبوده و در ذهن و اندیشه نمی‌گنجد.

۸. خداوند - متعال - یکتا و بی‌نیاز است.

امام حسین علیه السلام در ضمن دعاها و مناجات‌های خود با خدا نیز به مسایل کلامی اشاره نموده است از جمله در دعای عرفه می‌گوید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَقَطَّرَتَا»: اگر در زمین و آسمان جز خدای یکتا چند خدا می‌بود مطمئناً آسمان و زمین تباه شده و از هم می‌پاشیدند.

در فراز دیگری از همین دعای شریف عرض می‌کند: «کیف یستدل علیک بما هو فی وجوده مفتقر إلیک؟ أیکون لغيرک من الظهور ما لیس لک حتی یکون هو المظهر لک؟ متی غبت حتی تحتاج إلی دلیل یدل علیک؟» (۱)

[خدایا] چگونه بر اثبات وجود تو به

۱. قمی، مفاتیح الجنان، دعای عرفه، ص ۴۷۹ و ۴۹۶.

۲. اصول کافی، ج ۱، کتاب التوحید «باب النسبة»، حدیث ۳.

جهت اطلاع از اسرار سوره توحید، به شرح اصول کافی ملاصدرا مراجعه شود.

تربیت متکلم و دانشجوی دانش کلام نیز اقدام نموده است و متکلمان زبردست و ماهری را تحویل جامعه اسلامی داده است. قیس بن ماصر و مؤمن طاق که در علم کلام و فن مناظره مهارت خاصی داشتند از تربیت شدگان امام سجاد علیه السلام می‌باشند. (۳)

امام باقر علیه السلام و علم کلام

عصر امام باقر علیه السلام از لحاظ سیاسی و امنیتی نسبتاً خوب بود ولی جامعه، هم چنان شاهد فقر علمی و فرهنگی و رشد فرق انحرافی نظیر غلات، معتزله، خوارج و مرجئه بود.

امام باقر علیه السلام با استفاده از فضای موجود جهت از بین بردن خلأ فکری و علمی و تبیین صحیح معارف دینی و دفاع از مکتب اهل بیت علیهم السلام نهضت بزرگ علمی - فرهنگی را به وجود آورد و در این راستا

أنت لم أدر ما أنت^(۱): خدایا اگر خودت نبودى نمى دانستم تو چه گونه موجودى هستى.

این جمله کوتاه و پر معنی اشاره به برهان صدیقین دارد.

در جای دیگر در پاسخ ابوحمزه درباره اوصاف خداوند فرمود: «خداوند به وصفی که سبب محدودیتش بشود وصف نمى شود، پروردگار ما بزرگ‌تر از آن است که وصف شود زیرا چیزی که حد و انتها ندارد چه گونه به وصف محدود وصف می‌شود. (۲)

با توجه به آیات و روایات دیگر که خدا در آنها وصف شده، مراد حضرت از نفی صفات، نفی صفات زاید بر ذات است.

امام چهارم علیه السلام گذشته از اینکه خود در ضمن مناجات و سخنان خود به معارف بلند توحیدی و کلامی اشاره دارد، به

۱. قمی، همان، دعای ابوحمزه ثمالی، ص ۳۳۴. (برهان صدیقین از براهین مهم عقلی خداشناسی است.

در این برهان حد وسط خود خدا است یعنی از خدا پی به وجود او می‌بریم).

۲. اصول کافی، ج ۱ «باب النهی عن الصفة بغير ما وصف نفسه تعالى»، حدیث ۲.

۳. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحججه، حدیث ۴، سید حسن صدر، تأسیس الشیعة للعلوم الإسلام، ص

دانشگاه بزرگ اسلامی را پایه گذاری کرد و با تشکیل حلقه ها و کلاس های درسی در سطوح و رشته های مختلف صدها تشنه معارف و علوم اهل بیت را سیراب نمود و جان تازه به آنان بخشید.

از امام علیه السلام در باب کلام مناظرات و روایات زیادی نقل شده است از جمله:

۱. در پاسخ نافع بن ازرق (از سران خوارج) که از حضرت پرسید: خدا از چه زمانی بوده است؟، فرمود: «متی لم یکن حتی اخبرک متی کان؟! سبحان من لم یزل ولا یزال فرداً صمداً لم یتخذ صاحبة ولا ولداً». (۱)

در چه زمانی نبوده است تا خیر دهم که از چه زمان بوده است؟! منزّه است کسی که سرمدی، یگانه و بی نیاز است و دارای یار و فرزند نیست.

از این روایت معلوم می شود که از نظر امام باقر علیه السلام سخن گفتن درباره خداوند و سایر مسایل کلامی مشروعیت دارد.

۲. حسن بصری جهت مناظره و

گفتگو درباره موضوعات مختلف، خدمت امام علیه السلام آمد؛ بعد از گفتگوی اندک با امام علیه السلام، حضرت از او پرسید: آیا حقیقت دارد که شما قایل به تفویض و وانهادگی هستید؟

حسن سکوت کرد و چیزی نگفت. امام علیه السلام نخست بطلان نظریه تفویض را به تفصیل بیان کرد، سپس فرمود: «وایاک أن تقول بالتفویض فانّ الله - عزّ وجلّ - لم یفوض الأمر إلی خلقه وفتناً منه وضعفاً ولا أجبرهم علی معاصیه مطلقاً». (۲)

: از عقیده به تفویض برحذر باش زیرا خداوند به خاطر ضعف و سستی، کار را به خلق خود وا نهاده و آنها را بر انجام گناه هم مجبور نکرده است.

از این دو نمونه معلوم می شود که از نظر امام باقر علیه السلام گفتگو و مباحثه در موضوعات کلامی نه تنها مشروع بوده بلکه لازم است. باید قول حق در باب اصول و معارف دینی با دلیل برای مردم تبیین شود.

۱. اصول کافی، ج ۱، کتاب التوحید باب «الکون والمکان»، ج ۱، چاپ دارالکتب الإسلامیة.

۲. طبرسی، همان، ج ۲، ص ۱۸۲، به نقل از أعلام الهدایة، الامام محمد بن علی الباقر، ۱۱۱.

امام صادق علیه السلام و علم کلام

بر اساس منابع تاریخی و روایی از میان پیشوایان معصوم بعد از امام علی علیه السلام بیشترین احادیث و مناظرات کلامی از امام صادق علیه السلام به دست ما رسیده است این نشانگر اهمیت و توجه ویژه امام علیه السلام نسبت به دانش کلام است.

امام صادق علیه السلام علاوه بر بحث‌های استدلالی و مجادلات نظری و پاسخ عقلی و نقلی به شبهات مخالفان، علم کلام را به عنوان یک رشته علمی در کنار سایر رشته‌های دیگر علمی بلکه بالاتر از آنها تأسیس و ترویج نمود و گروهی را به صورت ویژه و تخصصی در رشته دانش کلام تربیت نمود و به دانش آموختگان کلام احترام خاصی قایل بود. (۱)

پیشوای ششم شیعیان شناخت خداوند، ایمان و اعتراف به بندگی او را از بهترین و واجب‌ترین واجبات معرفی نموده است: «أفضل الفرائض وأوجبها علی الإنسان معرفة الرب والاقرار له بالعبودية» (۲)

: بهترین و واجب‌ترین واجبات بر انسان شناخت پروردگار و اقرار به بندگی او است.

امام کسانی را که از خدا بیگانه هستند و آن گونه که باید او را بشناسند نمی‌شناسند مورد سرزنش قرار داده است. روزی مردی هفتاد یا هشتاد ساله به نام معاویه بن وهب خدمت امام علیه السلام رسید و نظر امام را درباره روایتی که می‌گوید پیامبر صلی الله علیه و آله، خدا را دید و مؤمنان نیز در بهشت او را می‌بینند، جويا شد و پرسید که این دیدن به چه صورت است؟

امام صادق علیه السلام بعد از تسمی فرمود: «یا معاویه ما أقبح بالرجل یأتی علیه سبعون سنة أو ثمانون سنة، یعیش فی ملک الله ویأکل من نعمه ثم لا یعرف الله حق معرفته. ثم ذکر أنّ الرؤیة علی وجهین: رؤیة القلب ورؤیة البصر وإنّ الأوّل صحیح والشانی باطل فی حقّه». (۳) ای معاویه! چقدر زشت است برای مردی (انسانی) که به سن ۷۰-۸۰ سالگی رسیده در ملک خدا

۲۹. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجة، حدیث ۳ و ۴، ص ۲۴۴-۲۳۸. ومجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۶۲.

۳۱. همان، ص ۵۴-۵۵.

۳۰. مجلسی، همان، ج ۴، ص ۵۵.

رفت تا هر طور شده با امام علیه السلام مناظره نماید. امام علیه السلام را در حین طواف دید، بازوی خود را به نشانه خبر به شانه امام علیه السلام زد، امام پرسید: نام و کنیه‌ات چیست؟ جواب داد: نامم عبدالملک و کنیه‌ام ابو عبدالله.

امام علیه السلام: مَلِکِی که بنده او هستی از پادشاهان زمین است یا آسمان؟ و نیز پسر بنده خدای آسمان است یا زمین؟ هر جواب که بدهی محکوم می‌شوی: (قل ما شئتُ تُخصم) زندیق سکوت کرد و جوابی نداشت. امام فرمود بعد از انجام مناسک دوباره بیا تا با هم گفتگو کنیم؛ امام بعد از مناسک گفتگوی مفصلی با او انجام داد. در نتیجه زندیق، مؤمن به خدا شد (فامن الزندیق علی ید اَبی عبد الله). زندیق بعد از ایمان آوردن تقاضا کرد تا جزء شاگردان امام باشد (اجعلنی من تلامذتک).^(۱)

زندگی و از نعمت‌های او استفاده می‌کند و خدا را آن گونه که باید بشناسد نمی‌شناسد! سپس در جواب معاویه فرمود: دیدن خدا دو صورت دارد: ۱. دیدن با چشم دل، ۲. دیدن با چشم ظاهری. اولی درست و دومی باطل است.

از آنچه گفته آمد به خوبی روشن شد که امام صادق علیه السلام چه قدر به کلام اهمیت می‌داده است! همان گونه که اشاره شد امام صادق علیه السلام در موضوعات مختلف کلامی با افراد و گروه‌های مختلف مناظراتی داشته است. در این جا بخشی از مناظره جالب و خواندنی امام که با یکی از زنادقه و ملحدین مصر درباره اثبات وجود خدا انجام داده است می‌آوریم: یکی از زنادقه مصر که اسمش عبدالملک و کنیه‌اش ابوعبدالله بود و شهرت و آوازه علمی امام علیه السلام را شنیده بود، جهت مناظره با امام به مدینه آمد. امام علیه السلام جهت انجام مناسک حج به مکه مشرف شده بود، زندیق به مکه

۱. اصول کافی، ج ۱، کتاب توحید، باب «حدوث العالم و اثبات المحدث» حدیث ۱. چنین مناظره از مصادیق روشن جدال احسن است که خدا به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله دستور انجام آن را داده است: ﴿وجادلهم بالتی هی احسن﴾ (نحل/ ۱۲۵) زیرا مطابقت اسم و معنی و کنیه با فحواى آن در میان مردم مشهور و پذیرفته است. (شرح اصول کافی، ملاصدرا، ص ۲۱۶).